

جلسه ۱۶۳ (د) ۱۶۹/۹/۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بحث ما درباره مواردی بود که اگر در روزه اخلاص بوجود می آمد فقط قضا واجب بود دون الکفاره ، تا به حالا هفت مورد را بیان کردیم و گفتیم که شش مورد اول مربوط به جاهایی بود که استصحاب لیل جاری می شد لذا از لحاظ حکم تکلیفی خوردن جایز می شد منتهی از لحاظ حکم وضعی چونکه کشف خلاف شده بود روزه اش باطل و قضا بر او واجب بود و اما مورد هفتم مربوط به آغاز روزه و افطار در روز و استصحاب نهار می باشد .

خوب مورد هفتم این بود که ؛ **السابع : الإفطار تقليداً لمن أخیر بدخول الليل و إن كان جائزاً له لمعى أو نحوه و كذا إذا أخبره عدل بل عدلان بل الأقوى وجوب الكفارة أيضاً إذا لم يجز له تقليد .** دیروز مفصلاً درباره این مورد هفتم بحث کردیم فقط همانطور که عرض شد صاحب عروۀ در قسمت آخر این مورد فرمودند ؛ **بل الأقوى وجوب الكفارة أيضاً إذا لم يجز له تقليد .** تقلید در اینجا به معنی تبعیت می باشد و منظور صاحب عروۀ این است که در هر جایی که تبعیت جایز نیست کفاره هم دارد زیرا اینجا با بحث قبلی فرق دارد چونکه در آنجا استصحاب اللیل داشت و همین کافی بود تا اینکه کفاره نداشته باشد اما اینجا استصحاب اللیل دارد لذا تا حجت شرعی نداشته باشد نمی تواند بخورد و اگر بدون حجّت شرعی بخورد مسلماً علاوه بر قضا کفاره هم دارد زیرا بر این شخص لازم بوده که روزه را ادامه بدهد تا وقتی که یقین کند که شب شده است لذا نمی تواند بدون حجّت شرعی (مثل شهادت عدل یا عدلان یا فرد مورد وثوق برای شخص کور یا زندانی) افطار کند یعنی علاوه بر اینکه وضعاً روزه اش باطل شده و باید قضایش را بجا بیاورد تکلیفاً هم بر او جایز نبوده که روزه اش را افطار کند فلذا کفاره هم بر او واجب می باشد .

« **التامن : الإفطار لظمة قطع بحصول الليل منها فبان خطأه و لم يكن في السماء علة و كذا لو شك أو ظن بذلك منها بل المتجه في الأخيرين الكفارة أيضا لعدم جواز الإفطار حينئذ و لو كان جاهلاً بعدم جواز الإفطار فالأقوى عدم الكفارة و إن كان الأحوط إعطاؤها نعم لو كانت في السماء علة فظن دخول الليل فأطرق ثم بان له الخطأ لم يكن عليه قضاء فضلا عن الكفارة ...** » .

مورد هشتم مربوط به کسی است که به خاطر تاریکی و ظلمت قطع پیدا کرده که شب شده لذا روزه اش را افطار کرده ولی بعداً معلوم شده که اشتباه کرده بوده و از طرفی در آسمان هم هیچ علتی وجود نداشته ، برچنین شخصی واجب است که روزه اش را قضا کند .

صاحب عروۀ جمله ؛ **ولم يكن في السماء علة** را به خاطر این بیان کرده اند که بعداً می خوانیم که اگر در آسمان علتی مثل ابر باشد اشکالی ندارد و قضا بر او واجب نیست یعنی شارع مقدس در دو جا ارفاق کرده و گفته که قضا لازم نیست ؛ اول در جایی که مراعات و تحقیق کرده و یقین کرده که فجر طالع نشده ولی بعداً برایش معلوم شده که فجر طالع شده بوده که در این صورت قضا لازم نیست یعنی با اینکه این شخص مأموره واقعی یعنی امساک در بین حدین را انجام نداده ولی شارع مقدس ارفاقاً روزه اش را قبول کرده و قبلاً خبری را که بر این مطلب دلالت داشت خواندیم (خبر ۳ از باب ۴۴ از ابواب مایمسک عنه الصائم ، موثقه سماعه) . دومین جایی که شارع ارفاقاً گفته که قضا لازم نیست مربوط به کسی است که به خاطر ابری بودن آسمان فکر کرده که آفتاب غروب کرده و قطع پیدا کرده که مغرب شده لذا افطار کرده ولی بعداً معلوم شده که مغرب نشده بوده .

خوب در روایات ما کلمه **الغيم والسحاب** ذکر شده حالا ما باید ببینیم که این حکم (سقوط قضا به خاطر وجود علتی در آسمان) مخصوص به ابر است یا اینکه حکم متعلق به مطلق وجود علة در آسمان می باشد ، عروۀ وسعت قائل شده و گفته که ابر هم می تواند یکی از مصادیق علت در آسمان باشد یعنی ایشان قائلند که مراد مطلق علت می باشد اعم از ابر و دود و گرد و غبار و غیرذلک اما حضرت امام (ره) و آقای خوئی و آقای بروجردی در حاشیه عروۀ فرموده اند که این حکم فقط مخصوص به ابر می باشد بنابراین صاحب عروۀ چون در این بحث وسعت قائل شده اند در عبارت عروۀ فرموده اند ؛ **ولم يكن في السماء علة** ، و ما فقط در این مورد هشتم می توانیم بگوئیم که چونکه قطع پیدا کرده است لذا تکلیفاً خوردنش جایز بوده ولی در واقع تجری کرده است

صاحب عروۀ در ادامه می فرمایند که همچنین اگر شک کرد که افطار شده یا نه و یا اینکه به خاطر تاریکی هوا ظن پیدا کرد که افطار شده است نیز باید روزه اش را قضا کند بنابراین صاحب عروۀ می فرمایند که در هر سه صورت قطع و ظن و شک اگر افطار کند و بعداً معلوم شود که مغرب نشده بوده باید روزه اش را قضا کند بلکه در حالت ظن و شک متّجه این است که باید کفاره هم بدهد زیرا در صورتی که قطع دارد

علی بن حسن بن فضال فطحی المذهب است ولی ثقہ می باشد ، محمد بن عبدالحمید ثقہ است ولی اَبی جمیلہ ثقہ نیست و تعبیراتی مثل کذاب برای او به کار رفته است لذا خبر از جهت او ضعیف است منتهی مورد عمل فقهای ما واقع شده است و همانطور که می بینید این خبر هم مثل خبر قبلی در مستصحب النهار در صورت وجود علتی در آسمان ارفاق قائل شده است .

خوب صاحب عروه در ادامه مسئله محصل مطالب را در هشت صورت بیان می کنند و می فرمایند : « **و محصل المطلب أن من فعل المفطر بتخیل عدم طلوع الفجر أو بتخیل دخول الليل بطل صومه فی جميع الصور** » زیرا این شخص مأمور بوده که در بین الحدین مسترا امساک کند ولی این کار را نکرده « **إلا فی صورة ظن دخول الليل مع وجود علة فی السماء من غیم أو غبار أو بخار أو نحو ذلك** » زیرا شارع مقدس این موارد را ارفاقاً استثناء کرده است ، البته یک مورد دیگر هم بود که باید ایشان آن را نیز استثناء می کردند (به خاطر عدم ذکر آن مورد در اینجا محشین عروه به ایشان اشکال کرده اند) و آن همان خبر سماعه بود که خواندیم (در صورتی که با مراعات و تحقیق یقین کرده بود که فجر طالع نشده ولی بعداً معلوم شده بود که فجر طلوع کرده) .

صاحب عروه در پایان مسئله می فرمایند : « **من غیر فرق بین شهر رمضان و غیره من الصوم الواجب والمندوب و فی الصور التی لیس معذورا شرعاً فی الإفطار كما إذا قامت البیتة علی أن الفجر قد طلع و مع ذلك أتى بالمفطر أو شك فی دخول الليل أو ظن ظناً غیر معتبر و مع ذلك أفطر تجب الکفارة أيضا فیما فیہ الکفارة** » و علت وجوب کفاره این است که اگر صائم بدون حجت و بیّنه شرعی روزه اش را افطار کند باید علاوه بر قضا کفاره هم بدهد

و الحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی

محمد و آله الطاهرین

معلوم است که قطع ذاتاً حجت است لذا با حجت شرعی افطار کرده بوده ولی شک و ظن حجت نیستند و انسان روزه دار متشرع هیچ وقت بدون حجت شرعی روزه اش را افطار نمی کند لذا این افطار کردن حاکمی از بی موالاتی می باشد از این جهت معصیت کار است و چون معصیت کار است باید کفاره هم بدهد . خوب حالا اگر در صورت شک و ظن جاهل به عدم جواز افطار باشد اقوی این است که کفاره ندارد (حضرت امام (ره) و بعض دیگر از محشین در اینجا گفته اند که اگر جاهل قاصر باشد کفاره ندارد ولی اگر جاهل مقصر باشد کفاره دارد) و **إن کان الأحوط اعطائها (أی الکفارة)** زیرا در صورت ظن و شک بدون حجت شرعی افطار کرده لذا چونکه امر واقعی را امتثال نکرده روزه اش باطل است و قضا بر او واجب است و در صورتی که جاهل مقصر باشد باید کفاره هم بدهد ولی اگر جاهل قاصر باشد أحوط این است که باید کفاره بدهد .

صاحب عروه در ادامه مسئله می فرمایند که اگر علتی در آسمان باشد و شخص صائم ظن به دخول شب پیدا کند و روزه اش را افطار کند ولی بعداً معلوم شود که اشتباه کرده بوده ، نه قضا بر او واجب است و نه کفاره و در واقع ایشان یکی دیگر از مواردی را که شارع مقدس ارفاقاً روزه را قبول کرده بیان می کنند .

و اما روایات مربوط به این بحث (**إن کانت فی السماء علة**) در باب ۵۱ از ابواب ما یمسک عنه الصائم وسائل الشیعه ذکر شده است ، خبر سوم از این باب ۵۱ این خبر است : « **و باسناده عن الحسن بن السعید عن محمد بن الفضیل عن أبی الصباح الکنانی قال : سألت أبا عبد الله (ع) عن رجل صام ثم ظن أن الشمس قد غابت و فی السماء غیم فأفطر ، ثم إن السحاب انجلی فإذا الشمس لم تغب ، فقال : قد تم صومه و لا یقضیه** » .

أبی الصباح اسمش ابراهیم بن نعیم است و ثقہ می باشد (به قدری ثقہ بوده که امام صادق (ع) او را میزان نامیده بودند) و محمد بن فضیل هم از ثقات می باشد بنابراین سند روایت خوب است و همانطور که می بینید در این روایت ارفاقاً گفته شده اگر زمانی که آسمان ابری است افطار کند و بعداً بفهمد که آفتاب غروب نکرده بوده اشکالی ندارد و قضا هم ندارد .

خبر بعدی خبر ۴ از همین باب ۵۱ می باشد ، خبر این است : « **و باسناده عن علی بن الحسن بن الفضال عن محمد بن عبدالحمید عن أبی جمیل عن زید الشحام عن أبی عبد الله (ع) فی رجل صائم ظن أن الليل قد کان ، أن الشمس قد غابت ، و کان فی السماء سحاب فأفطر ، ثم إن السحاب انجلی فإذا الشمس لم تغب ، فقال : تم صومه و لا یقضیه** » .